



# Sagor för barn på svenska

[berattelser.se](http://berattelser.se)

انديسوا ستارهي فونيل

Skriven av: Eden Daniels

Illustrerad av: Eden Daniels

Översatt av: Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)

Denna saga kommer från African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<http://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons Erkännande-IckeKommersiell 3.0 Internasjonal Licens. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/deed.sv>

انديسوا ستارهي فونيل



✎ Eden Daniels

🔗 Eden Daniels

📁 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)  
😊 dari  
||| nivå 2





آندیسوا چَند پِسر را در حالِ بازی فوتبال تماشا  
گَرَد. او آرزو داشت که بتواند آن‌ها را همراهی کند.  
او از مُربی پُرسید که آیا می‌تواند با آن‌ها تمرین  
کند.

”  
 .ساراه این بازی فواید بسیار آخاها پرسه حقیقه ، مکتب این  
 مربی دستايش را روی کمرش گذاشت و گفت: ”آر



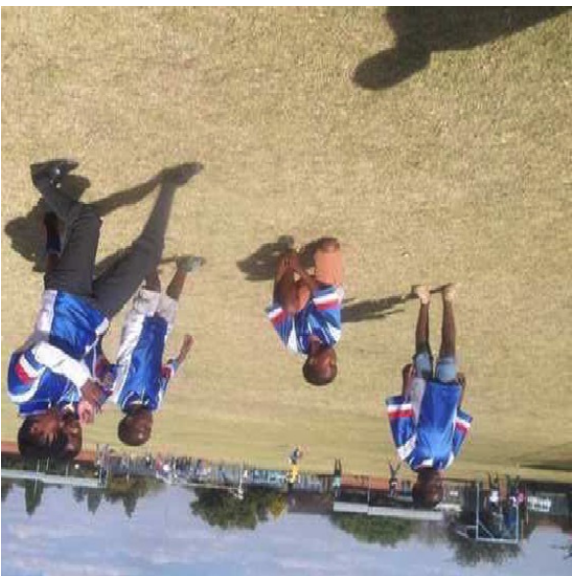


پسرها به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آنها گفتند بسکتبال برای دخترهاست و فوتبال برای پسرها. اندیسوا اندوهگین شد.



تماشاچیان بسیار هیجان زده شدند. از آن زمان به بعد، دخترها هم اجازه‌ی بازی فوتبال در مکتب را پیدا کردند.

در جریان نیمه ی نهم بازی یکی از پسرها توپ را به سمت راست داد. آندهستوا پاس داد. آندهستوا با شریعت ختلی زیاد به سمت راست حرکت کرد. او محکم به توپ ضربه زد و توپ گل شد.



روز بعد، آن مکتب یک مسابقه ی بزرگ فوتبال داشت. مربی بگاران بود چون بهترین بازیکنان مریض بود و نمی توانست بازی کند.





آندیسوا به سَمَتِ مُرَبِّي دَوید و اِلْتِماسِ گَرْدِ کِه به  
او اِجازه‌ی بازی بَدَهْد. مُرَبِّي مُطْمِینِ نَبود کِه چه  
کاری اَنجام بَدَهْد. سِپَسِ تَصْمِیمِ گَرِفْتِ کِه آندیسوا  
می تَوانَد تیم را هَمراهی کُنَد.



بازی سَخْتی بود. هِیچکَسِ تا نیمه‌ی بازی گُل نَزْدَه  
بود.